

## سبک انتخاب



گزارشی از یک جمع مجرد ۳۳ تا ۵۰ساله

# ازدواج که ترس ندارد

مجردهای سن بالا می‌گویند:

ای کاش در جوانی بر ترس‌های بی‌مورد غلبه و ازدواج می‌کردیم

گفت‌وگوی «کاشانه» با سرپرست گروه زنان و خانواده مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

## سن که بالا می‌رود تمام ملاک‌ها و معیارهای ازدواج به هم می‌ریزد

نگرشی در این حوزه از الزامات است. در حال حاضر مسئله مهم در موضوع ازدواج کاهش نرخ و افزایش میانگین سن ازدواج است. به دلیل ذواب‌عادی بودن موضوع ازدواج، متغیرهای بی‌شماری در تغییر الگوی آن دخیل هستند، اما بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد کلیدی‌ترین متغیر در شکل‌گیری الگوی همسرگزینی، سن ازدواج است چراکه با تغییر سن ازدواج، معنا و کارکرد ازدواج تغییر می‌کند و به تبع آن ملاک‌های انتخاب همسر، امکان انتخاب همسر، طول عمر ازدواج، استحکام خانواده، ضرورت ازدواج، فرزندان‌آوری و به تبع آن نرخ ازدواج نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

### مهم‌ترین چالش، کاهش نرخ و افزایش میانگین سن ازدواج

مجموعه‌عاملی را که بر سن ازدواج افراد در جامعه تأثیر می‌گذارد، می‌توان ذیل وضعیت نااطمینانی افراد در سن ازدواج مورد بررسی قرار داد. این نااطمینانی در دو دسته کلی متغیرهای درونی و بیرونی نمایان و تقویت می‌شود. متغیرهای درونی بیشتر ناظر بر تحولات فردی و نگرشی در جامعه و متغیرهای بیرونی ناظر بر تحولات اجتماعی هستند. بررسی متغیرهای درونی نشان می‌دهد میزان ضرورت دانستن ازدواج رو به کاهش است و این گزاره ارتباط مستقیمی با سن ازدواج دارد. به گونه‌ای که با افزایش سن ازدواج از

ریحانه رحمانی پور، سرپرست گروه زنان و خانواده مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در پاسخ به پرسش‌ها و در خواست کاشانه به ارائه نتایج برخی بررسی‌های پژوهشی درباره سن ازدواج پرداخته است. رحمانی پور می‌گوید: «با تغییر سن ازدواج، معنا و کارکرد ازدواج تغییر می‌کند و به تبع آن ملاک‌های انتخاب همسر، امکان انتخاب همسر، طول عمر ازدواج، استحکام خانواده، ضرورت ازدواج، فرزندان‌آوری و به تبع آن نرخ ازدواج نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.»

ریحانه رحمانی پور، سرپرست گروه زنان و خانواده مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در پاسخ به پرسش‌ها و در خواست کاشانه به ارائه نتایج برخی بررسی‌های پژوهشی درباره سن ازدواج پرداخته است. رحمانی پور می‌گوید: «با تغییر سن ازدواج، معنا و کارکرد ازدواج تغییر می‌کند و به تبع آن ملاک‌های انتخاب همسر، امکان انتخاب همسر، طول عمر ازدواج، استحکام خانواده، ضرورت ازدواج، فرزندان‌آوری و به تبع آن نرخ ازدواج نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.»



با تغییر سن ازدواج، معنا و کارکرد ازدواج تغییر می‌کند و به تبع آن ملاک‌های انتخاب همسر، امکان انتخاب همسر، طول عمر ازدواج، استحکام خانواده، ضرورت ازدواج، فرزندان‌آوری و نرخ ازدواج نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد

میزان ضرورت آن در جامعه کاسته می‌شود. به عبارتی افراد در سنین پایین‌تر ازدواج را به عنوان یک ضرورت می‌دانند اما افزایش سن نه تنها کارکردهای خانواده را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد بلکه احتمال زیست‌مجردی را نیز افزایش می‌دهد، بنابراین می‌توان گفت مسئله افزایش میانگین سن ازدواج در سال‌های آینده مسئله کاهش نرخ ازدواج را تقویت خواهد کرد. به عبارتی می‌توان گفت با افزایش سن ازدواج ضرورت آن و نیاز به ازدواج در نظر افراد کاهش پیدا می‌کند.

به عبارتی دیگر ازدواج علاوه بر تأمین نیازهای جنسی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، لذا بررسی نگرش و رفتار مردم در این حوزه امکان تبیین الگوی مشترکی از همسرگزینی را فراهم می‌کند، البته استخراج الگو در هر رفتار فرهنگی و اجتماعی در شرایطی که جامعه دوران گذار و بی‌ثباتی را طی می‌کند، بسیار سخت و تحلیل‌ناپذیر است، معذرا به دلیل اهمیت موضوع مورد بررسی، فهم تغییرات رفتاری و

**ثنا** اعتقاد داشت به رغم سختی‌های زندگی متأهلی هم توانسته در جمع فعلی دوستانه حضور داشته باشد و هم شاغل است و هم کار هنری مورد علاقه خود را دنبال می‌کند، هر چند تنها اول از همه جمع را ترک کرد، اما بحث تا ساعت‌ها ادامه داشت و بچه‌ها یکی یکی دلایل خود را برای به تأخیر انداختن ازدواج بیان کردند.

**علی** ۵۰ساله تکلیفش مشخص بود که سرپرست خواهر و مادر خود بود. علی حتی از ابتدا هم شرایط ازدواج نداشته و سراغ هر دختری هم رفته، طر فاش نتوانسته است به لحاظ مادی و معنوی با شرایط سخت علی سازگاری کند و همین باعث شده است از جایی به بعد دیگر به ازدواج فکر هم نکند.

**مرتضی** ۴۵ساله بود و تمام حرفش به عدم مسئولیت‌پذیری ختم شد و در نهایت خودش اعتراف کرد شجاعت مسئولیت‌پذیری و تعهد برای داشتن یک زندگی مشترک را ندارد.

**محمد** ۴۲ساله گفت: یک زمانی خیلی تمایل به ازدواج داشتم اما اوضاع مالی‌ام بد بود و همین باعث شد دستم به انتخاب نزنم، چون هیچ کس با وضع مالی بد کنار نمی‌آید. وی گفت: حالا که شرایط مناسبی برای ازدواج دارم، معتقدم خیلی چیزها در این میان از دست رفته و حالا دیگر شور و شوقی برای ورود به زندگی مشترک ندارم.

**نگار** ۳۴ساله در رد حرف‌های محمد گفت: اینطور نیست و من هرگز نگاه مادی نداشتم‌ام اما همواره نگران تغییر ملاک‌های انتخابم بوده‌ام. وی توضیحات جالبی داد که تقریباً برای جمع قانع‌کننده بود. به اعتقاد نگار همه انسان‌ها همواره در حال تغییر و گذار هستند و همین باعث تغییر ملاک‌ها می‌شود، در نتیجه مشخص نیست معیاری که در سن ۲۰سالگی داشتیم، در سن ۳۰ یا ۴۰سالگی هم وجود داشته باشد و همین منجر شد تا هرگز دست به انتخاب نزنم.

شکل گرفته است، به گونه‌ای که پسران برای اطمینان از توان تأمین هزینه‌های زندگی در سنین بالاتر اقدام به ازدواج می‌کنند و دختران ازدواج این پسران را ترجیح می‌دهند. چالش این الگو و برهم زدن الگوی همسال‌گزینی منجر به تجرد قطعی گروهی از دختران خواهد شد.

### عوامل مادی و افزایش سن ازدواج

بررسی عوامل بیرونی تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان نشان از اثرگذاری مثبت تورم، افزایش هزینه‌های خانوار و بالا بودن هزینه‌های شروع زندگی از قبیل هزینه مراسمات و تهیه مسکن بر سن ازدواج دارد، لذا عدم ثبات اقتصادی در جامعه و افزایش تورم ریسک‌پذیری ازدواج را افزایش می‌دهد و افراد به دلیل عدم اطمینان از شرایط زندگی در آینده تصمیم به تشکیل خانواده را به تأخیر می‌اندازند. منصف بر آن نداشتن شغل پایدار و پیدا نکردن گزینه مناسب تأثیر قابل توجهی بر افزایش سن ازدواج دارد، به گونه‌ای که بررسی وضعیت اشتغال شهرستان‌های مختلف نشان می‌دهد، شهرستان‌های دارای میزان اشتغال بالاتر، به طور کلی سن ازدواج پایین‌تری دارند. در مقابل، متغیر میزان بیکاری رابطه‌ای مثبت با میانگین سن در نخستین ازدواج هر دو جنس دارد، البته همانند متغیر میزان اشتغال و میزان بیکاری نیز در جامعه ایران بیشتر در ارتباط با مردان اهمیت دارد.

### عوامل فرهنگی و تغییر نگرش به ازدواج

به رغم تأکیدات پژوهش‌های مختلف بر عامل اقتصادی به عنوان عامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان، در پژوهشی که در سال ۱۳۹۴ با عنوان «نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده» انجام شده است، در بررسی حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که قصد ازدواج ندارند و حدود نیمی از این ۳۰ درصد اعلام کرده‌اند که حتی اگر منابع اقتصادی نیز رفع شود، باز هم ازدواج نخواهند کرد. به عبارتی می‌توان گفت که موانع دیگری بر سر راه ازدواج جوانان وجود دارد که از جنس اقتصادی نیستند و این عوامل صرفاً بر سن ازدواج اثر نمی‌گذارد بلکه نگرش افراد را نسبت به کلیت ازدواج تحت‌الشعاع قرار داده و مروج سبک دیگری از زندگی است. احصای موانع فرهنگی با توجه به کیفی بودن آنها بسیار دشوار است و غالب پژوهش‌های انجام‌شده به صورت تأویلی به این موضوع پرداخته‌اند، اما به استناد نگرش‌سنجی انجام‌شده و اولویت‌های ذهنی افراد در ویژگی‌های همسر خوب می‌توان به تغییر ذائقه فرهنگی افراد و جامعه در موضوع ازدواج اشاره داشت. در میان تغییرات فرهنگی، افزایش سطح توقعات مادی فرد و خانواده، ایده‌آل‌خواهی افراطی در انتخاب همسر، گرایش به تجمل، رعایت ترتیب در ازدواج فرزندان و شیوع آداب و رسوم دست و پاگیر از جمله مواردی هستند که بر الگوی ازدواج تأثیر می‌گذارند (بانکی پورفر و همکاران، «درآمدی بر آمار ازدواج جوانان در ایران»، ۱۳۹۰).

به عبارتی تغییر سبک زندگی و اولویت‌داندن به تحصیلات، شغل و استقلال اقتصادی و تغییر نگرش به ازدواج، انتخاب همسر را دچار تحولات بنیادین کرده و هر چه سن ازدواج افزایش پیدا می‌کند، موانع ازدواج هم‌دیگر را تقویت می‌کنند و باز تولید می‌شوند، بنابراین مداخله با رویکرد حل مسئله ازدواج باید معطوف به قطع اتصال چرخه انبساطی عوامل افزایش سن ازدواج باشد.

در نهایت می‌توان گفت عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منجر به افزایش سن ازدواج شده و افزایش سن ازدواج الگوهای همسرگزینی و نگرش جامعه به ضرورت ازدواج، سن مناسب ازدواج، ملاک‌های انتخاب همسر، مشارکت خانواده‌ها در ازدواج را تحت تأثیر خود قرار داده است.

**علی** ۳۴ساله دلایل تأخیر ازدواج خود را تمایز معیارهای شخصی خود از معیارهای انتخابی خانواده توصیف کرد و گفت هرگز نخواستیم برای فرار از خانه یک دختر را بدبخت کنیم!

**فائزه** ۵۲ساله و خواهرش زینب از شرایط مادی بسیار خوبی برخوردار بودند اما مهم این بود که زینب قربانی سنت خانوادگی شده بود و به خاطر ازدواج نکردن خواهر بزرگ‌تر دست به انتخاب زنده و فائزه هم مورد مناسی پیدا نکرده است.

**مصطفی** ۳۳ساله بود و به اعتقاد جمع هنوز فرصت داشت به ترس‌های محمد نرسد اما او از همین سن، ترس شرایط مادی داشت و گفت: سطح توقع دخترها بالا رفته و می‌ترسم نتوانم توقعات همسرم را برآورده کنم.

**فاطمه** ۳۸ساله در بین همه نظر جالبی داشت و گفت: من تنها دلایلم برای ازدواج نکردن، فرار از سختی‌های خانه پدری بود و زمانی که توانستم در سن ۳۲سالگی جدا شوم و مجرد زندگی کنم، محدودیت رفع‌شده مانع از این شد که انتخابی داشته باشم.

همه منتظر نظر استاد بودیم. برای همه ما جالب بود بدانیم استاد موفق ما چرا تا به حال ازدواج نکرده است. استاد هم دلایل خود را داشت و اهم دلیل او ترس از عدم پیشرفت برای ادامه مسیر موفقیت خود بود.

هر چند مراسم تولد به حاشیه رفت اما خروجی جالبی برای همه داشت. نظرات جمع مجرد حاکی از این بود که در سن پایین ترس‌هایی وجود دارد که همان مانع از انتخاب می‌شود؛ ترس‌هایی که ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی دارد اما بعدها با مر تفع شدن همه آن ترس‌ها، یک مشکل دیگر نمایان می‌شود؛ فرصت‌هایی ازدست‌رفته که تمایل به ازدواج از بین می‌رود، ولی همه یکصدا معتقد بودیم شاید بهتر باشد در سن پایین‌تر ترس‌های بی‌مورد و بزرگنمایی‌شده ازدواج غلبه کرد و دست به انتخاب زد، اما والدین هم در این زمینه باید نقش خود را به درستی ایفا کنند.

**گفت‌وگوی «کاشانه» با یک زوج جوان که ۳ فرزند دارند یک به علاوه یک مساوی است با پنج!**  
ساده شروع کردیم، با آرامش و محبت ادامه دادیم



رضایت از زندگی و ازدواج در سن معقول و مناسب، موضوعی بود که به بهانه آن سراغ یک زوج جوان رفتم که ۱۵سال از زندگی مشترک آنها گذشته و حالا در سن زیر ۴۰سال یک خانواده پنج نفره هستند.

مصطفی هاشمی‌نسب در ۲۴سالگی و زهرا همسرش در ۱۹سالگی طی مراسمی ساده و به دور از هر گونه تشریفات ازدواج می‌کنند. زهرا سال اول دانشگاه بوده و مصطفی ترم‌های ابتدایی تحصیلات دوره کارشناسی را طی می‌کرده است. ماک مصطفی دانشجوی دکتراست و زهرا هم با اتمام تحصیلات در دوره کارشناسی مدیر یک سایت است و همزمان یک صفحه فعال آشنیزی در فضای مجازی دارد.

گفت‌وگویی ما با این زوج موفق با صدای خنده و شادی بچه‌ها همزمان پیش می‌رود؛ زوج موفق که یک نقطه مشترک در کلام آنها پیدا می‌شود؛ ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی!

زهرا می‌گوید: از همان ابتدا معیار خانوادگی ما مادی نبود و هنوز هم زندگی ما به دور از تجملات امروزی است. به اعتقاد این همسر و مادر موفق هیچ ملاک و معیاری جایگزین آرامش و محبت نخواهد شد.

وی به جوانان توصیه می‌کند تجملات را کنار بگذارند چراکه در غیر این صورت حتی در زندگی مشترک هم به مشکل برمی‌خورند و فشار عصبی ناشی از توقعات مادی کاملاً بر زندگی سایه خواهد انداخت.

زهرا می‌گوید: یک پسر و یک دختر جوان در صورت داشتن علاقه و اراده، وقتی ازدواج می‌کنند از نظر ریاضی زوج می‌شوند ولی هم‌فازایی آنان اعداد زندگی‌شان را بزرگ می‌کند (و با خنده ادامه می‌دهد)، مثل من و آقا مصطفی که نه تنها حالا دارای یک خانواده پنج نفره شلوغ و شاد هستیم، بلکه اعداد دیگر زندگی مشترک‌مان هم کنار شاکر از نظر تحصیلی و کاری و مادی، در حد قناعت‌مان، رشد می‌کند.

مصطفی که در حال کار کردن روی رساله دکتری خود است، نقطه شروع زندگی را از خانه‌ای ساده و کوچک و البته در کنار مراسمات ساده می‌داند. وی معتقد است: بلوغ اقتصادی مهم است اما نه به معنای رفاه کامل بلکه به معنی مسئولیت‌پذیری مرد به عنوان متولی و سرپرست یک خانواده.

وی با قبول سختی‌های مادی در شرایط فعلی ازدواج در جامعه می‌گوید: ما با شرایط حداقلی زندگی مشترک‌مان را آغاز کردیم و اعتقاد دارم عامل اقتصادی به تنهایی در به تأخیر افتادن ازدواج مؤثر نخواهد بود. وی پررنگ شدن مؤلفه‌های پرخرج ازدواج در فضای جامعه را عاملی اثرگذار بر بالا رفتن سن ازدواج و به تأخیر افتادن آن می‌داند و به جوانان ساده گرفتن و پرهیز از سختگیری را توصیه می‌کند. به اعتقاد مصطفی با عشق و همدلی می‌توان بر بسیاری از مشکلات غلبه کرد.